

The Moral Dimensions of Lying and Spreading Lies in Cyberspace and Related Criminal Policy in Iranian and Iraqi Law

Dana Ghader Mostafa¹, S. Alipour Ph.D.^{2*}, S. Jafarzadeh Ph.D.²

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Urmia University, Urmia, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Islamic Law, Urmia University, Urmia, Iran.

Abstract

Background: Due to the difficulty of obtaining common information when expressing opinions, cyberspace is very suitable for many forms of lying and spreading lies, which makes this environment necessary to develop ethical protocols and criminal enforcement guarantees for these protocols. Criminal policy plays an important role in maintaining public order and individual rights in the face of spreading lies through social networks in the countries of Iran and Iraq. Therefore, the present study aims to examine the moral dimensions of lying and spreading lies in cyberspace and related criminal policy in Iranian and Iraqi law.

Conclusion: Philosophical opinions on whether lying is morally wrong or not vary, but many forms of lying in cyberspace are considered unethical behavior because they damage the reputation of individuals, disrupt public order, disturb the minds of society, and destroy public trust, and such behavior should be prevented with criminal and legal levers. While both Iran and Iraq have laws to combat the spread of lies, legal gaps are evident in both legal systems, especially in the face of technological developments and cyberspace. These shortcomings include the incomplete distinction between forgivable and unforgivable crimes, the lack of an independent and comprehensive bill for cybercrimes, and the need to improve public education methods in this area. Therefore, amending existing laws and enacting more comprehensive regulations to combat the spread of lies in the context of social networks, especially given the specific characteristics of cyberspace, are essential necessities for both countries.

Keywords: *Ethics, Criminal Policy, Spreading Lies, Lying, Social Networks*

***Corresponding Author:** S. Alipour Ph.D., Department of Jurisprudence and Islamic Law, Urmia University, Urmia, Iran. Email: sa.alipour@urmia.ac.ir

How to cite: Dana Ghader Mostafa, Alipour S, Jafarzadeh S. The moral dimensions of lying and spreading lies in cyberspace and related criminal policy in Iranian and Iraqi law. *Ethics in Science and Technology*. 2025;20(08): 80-88.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

ابعاد اخلاقی دروغ پردازی و نشر اکاذیب در فضای مجازی و سیاست کیفری مرتبط با آن در حقوق ایران و عراق

دانا قادر مصطفی^۱، دکتر سلمان علی پور^{۲*}، دکتر سیامک جعفرزاده^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

۲. گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۶)

چکیده

زمینه: فضای مجازی به دلیل دشواری به دست آوردن اطلاعات مشترک هنگام اظهار نظر، برای بسیاری از اشکال دروغ پردازی و نشر اکاذیب بسیار مناسب است که همین امر این محیط را نیازمند تدوین پروتکل‌های اخلاقی و ضمانت‌های اجرایی کیفری برای این پروتکل‌ها می‌سازد. سیاست کیفری در مواجهه با نشر اکاذیب از طریق شبکه‌های اجتماعی در کشورهای ایران و عراق، نقش مهمی در حفظ نظم عمومی و حقوق فردی ایفا می‌کند. از این رو مطالعه حاضر با هدف بررسی ابعاد اخلاقی دروغ پردازی و نشر اکاذیب در فضای مجازی و سیاست کیفری مرتبط با آن در حقوق ایران و عراق پرداخته است.

نتیجه گیری: عقاید فلسفی در مورد اینکه آیا دروغ گفتن از نظر اخلاقی نادرست است یا خیر، متفاوت است اما بسیاری از دروغ پردازی‌ها در فضای مجازی به واسطه تخریب حیثیت اشخاص، یا برهم زدن نظم عمومی و تشویش اذهان جامعه و از بین بردن اعتماد عمومی رفتاری غیر اخلاقی تلقی می‌شوند و می‌بایست با اهرم‌های کیفری و حقوقی جلوی چنین رفتارهایی گرفته شود. در حالی که هر دو کشور ایران و عراق قوانینی برای مقابله با نشر اکاذیب دارند، خلأهای قانونی در هر دو نظام حقوقی به‌ویژه در مواجهه با تحولات فناوری و فضای مجازی مشهود است. این نواقص شامل تفکیک ناقص بین جرایم قابل گذشت و غیرقابل گذشت، عدم وجود لایحه مستقل و جامع برای جرایم سایبری و نیاز به بهبود روش‌های آموزش عمومی در این حوزه می‌شود. لذا، اصلاح قوانین موجود و تصویب مقررات جامع‌تر برای مقابله با نشر اکاذیب در بستر شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه با توجه به ویژگی‌های خاص فضای مجازی، از ضرورت‌های اساسی برای هر دو کشور است.

کلیدواژگان: اخلاق، سیاست کیفری، نشر اکاذیب، دروغ پردازی، شبکه‌های اجتماعی

سر آغاز

با این حال، این توسعه سریع و فراگیر فناوری اطلاعات، علاوه بر فرصتی که برای تسهیل ارتباطات فراهم آورده است، تهدیدات و چالش‌های اخلاقی^۴ نوینی نیز به دنبال داشته است. یکی از جدی‌ترین این چالش‌ها، دروغ پردازی و نشر اکاذیب در فضای مجازی است که می‌تواند پیامدهای منفی وسیعی بر حیثیت، آبرو و آرامش روانی افراد داشته باشد (۴). مرتکبان این جرائم اغلب از ویژگی‌های خاص فضای مجازی نظیر امکان گمنامی، تغییر هویت و پنهان کاری بهره می‌برند و اقدام به انتشار اطلاعات نادرست و مطالب کذب می‌کنند که این امر می‌تواند به‌طور جدی نظم عمومی را مختل کرده، اعتماد اجتماعی را تضعیف کرده و آسیب‌های معنوی جبران‌ناپذیری به قربانیان وارد آورد (۵).

با گسترش روزافزون فناوری‌های نوین^۱ ارتباطی و ظهور شبکه‌های اطلاعاتی^۲، جهان شاهد تحولی اساسی در ساختار سنتی انتقال داده‌ها و برقراری ارتباطات انسانی بوده است. در این فضای جدید، دیگر مرزهای جغرافیایی نه تنها معنا و کارکرد پیشین خود را از دست داده‌اند، بلکه اطلاعات در کسری از ثانیه، بدون هیچ‌گونه محدودیت مکانی، میان کاربران به‌صورت گسترده و فوری تبادل می‌شود (۱). این تغییرات بنیادین، به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی، ضمن افزایش سطح آگاهی عمومی و گسترش دامنه دانش بشری، نقشی کلیدی در هدایت و شکل‌گیری افکار عمومی ایفا کرده است (۲). شبکه‌های اجتماعی^۳، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مظاهر این انقلاب دیجیتال، فرصتی را برای مشارکت فراگیر شهروندان در فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراهم کرده‌اند و به‌عنوان بستری مناسب برای مطالبه‌گری، انتقاد سازنده و نظارت بر عملکرد نهادهای حکومتی ظهور یافته‌اند (۳).

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: sa.alipour@urmia.ac.ir

در این میان، نشر اکاذیب به‌ویژه از طریق شبکه‌های اجتماعی به دلیل سرعت بالای انتشار، دامنه وسیع مخاطبان و قابلیت بازنشر فوری محتوا، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (۶) که هین امر این محیط را نیازمند تدوین پروتکل‌های اخلاقی^۵ و ضمانت‌های اجرایی کیفری برای این پروتکل‌ها می‌سازد. در واقع، چالش اصلی آن است که چگونه می‌توان در فضایی که مرزهای حقوقی آن همچنان در حال شکل‌گیری است، مسئولیت کیفری عاملان این گونه اعمال را به دقت شناسایی و تعقیب کرد. پیچیدگی‌های فنی در شناسایی هویت واقعی کاربران، عدم وجود مرزهای جغرافیایی مشخص برای وقوع جرم، و پراکندگی سرورها و بسترهای ارتباطی، همگی بر دشواری فرآیند دادرسی و اعمال مجازات مؤثر افزوده‌اند.

از این رو مطالعه حاضر با هدف بررسی ابعاد اخلاقی دروغ پردازی و نشر اکاذیب در فضای مجازی و سیاست کیفری مرتبط با آن در حقوق ایران و عراق پرداخته است.

بحث

نشر اکاذیب و دروغ پردازی به چه معناست؟

اصطلاح "نشر اکاذیب"^۶ به معنای انتشار، بازنشر یا اشاعه اخبار نادرست، ادعاهای خلاف واقع، یا وقایعی است که پایه و اساسی در واقعیت ندارند و هدف از بیان آن‌ها معمولاً اضرار به غیر، تخریب حیثیت اشخاص، یا برهم زدن نظم عمومی و تشویش اذهان جامعه است (۶). فردی که آگاهانه و عمدانه اقدام به نشر چنین مطالب کذب کند، با توجه به نیت مجرمانه و آثار زیان‌بار احتمالی آن بر مخاطبان یا اشخاص مورد اشاره، مشمول تعقیب کیفری قرار می‌گیرد و طبق قوانین کیفری موجود، مسئول شناخته می‌شود (۷). این جرم، اگرچه ممکن است ظاهراً تنها در قالب واژه‌ها یا محتوای نوشتاری بروز باید، اما در عمل می‌تواند آسیب‌های جدی به آبرو، اعتماد عمومی و حتی امنیت روانی جامعه وارد سازد (۸).

ابعاد اخلاقی دروغ پردازی و نشر اکاذیب

عقاید فلسفی در مورد اینکه آیا دروغ گفتن از نظر اخلاقی نادرست است یا خیر، متفاوت است. افلاطون در کتاب جمهوری ادعا کرد که حاکمان یک جامعه‌ی عادل باید دروغ‌های «نجیبانه» را برای ترویج هماهنگی اجتماعی در میان توده‌ها رواج دهند، اما او همچنین نگرش سهل‌انگانه‌ی سوفسطاییان نسبت به حقیقت را محکوم کرد. او ظاهراً فکر می‌کرد که ارزش اخلاقی دروغ گفتن به زمینه‌ای که دروغ در آن گفته می‌شود بستگی دارد.

در مقابل، سنت آگوستین - که کتاب «De mendacio» او در کتاب «بازنگری‌ها» اولین بحث سیستماتیک در مورد دروغ‌گویی بود - استدلال کرد که دروغ‌گویی همیشه غیرمجاز است، اگرچه او گاهی اوقات این را مجاز می‌دانست که می‌توان از گفتن حقیقت اجتناب کرد، دیدگاهی که بعدها توسط توماس آکویناس (حدود ۱۲۲۴-۲۵/۱۲۷۴ میلادی) در کتاب «جامع الهیات» تأیید شد. قرن‌ها بعد، هوگو

گروتیوس (۱۵۸۳-۱۶۴۵) استدلال کرد که مفهوم نادرستی اخلاقی در مفهوم دروغ‌گویی^۷ نهفته است. از نظر گروتیوس، دروغ بی‌ضرر بنا به تعریف دروغ نیست، بنابراین گفتن اینکه دروغ‌گویی غیراخلاقی است، تکراری و کلیشه‌ای است. ایمانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) پیشنهاد کرد که هیچ شرایط قابل تصویری وجود ندارد که در آن دروغ‌گویی از نظر اخلاقی قابل قبول باشد. او استدلال کرد که اخلاق ریشه در ظرفیت ما برای انتخاب‌های آزاد و عقلانی دارد و دروغ‌گویی در واقع حمله‌ای به اخلاق است زیرا هدف آن تضعیف این ظرفیت است. کانت همچنین تأیید کرد که قانون اخلاقی^۸ ایجاب می‌کند که با دیگران به عنوان غایت فی‌نفسه رفتار کنیم، در حالی که دروغ گفتن مستلزم رفتار با دیگران صرفاً به عنوان وسیله است. دیدگاه کانتی با دیدگاه پیام‌گرایان که معتقدند ارزش اخلاقی یک عمل کاملاً در میزان به حداکثر رساندن خیر غیراخلاقی توسط آن نهفته است، به شدت در تضاد است. به گفته جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳)، یک عمل تنها در صورتی از نظر اخلاقی واجب است که بیشترین شادی را برای بیشترین تعداد افراد، نسبت به جایگزین‌های آن، ایجاد کند. از آنجا که شرایطی وجود دارد که دروغ گفتن در خدمت خیر عمومی مؤثرتر از راست‌گویی است، ما گاهی اوقات تعهد اخلاقی داریم که غیرصادقانه رفتار کنیم (۹ و ۱۰).

نشر اکاذیب در فضای سایبری و ابعاد اخلاقی آن

فریب^۹ می‌تواند کلامی یا غیرکلامی باشد. روش‌های کلامی شامل دروغ‌گویی آشکار، دوپهلویی، عدم بیان اطلاعات کلیدی، ادعاهای دروغین و بهانه‌های واهی است. روش‌های غیرکلامی شامل تقلید، فریب دادن و اشکال مختلف تظاهر غیرکلامی است. مردم هر روز بدون اینکه از آن آگاه باشند از فریب استفاده می‌کنند و بسیاری از حوزه‌های فعالیت انسانی مانند کار پلیس، قانون، سیاست، مذاکرات تجاری، اقدامات نظامی و سرگرمی نمی‌توانند بدون فریب عمدی عمل کنند. با این حال، بسیاری از فریب‌هایی که انجام می‌شود، غیرقابل توجیه است. از این رو، ادبیات گسترده‌ای در مورد تشخیص فریب وجود دارد. فریبکاران انسانی سعی می‌کنند اطلاعاتی را که فاش می‌کنند کنترل کنند، اما کنترل همه کانال‌های ارتباطی دشوار است و حقیقت اغلب از طریق کانال‌های ثانویه "به بیرون درز می‌کند" (۱۱).

فضای مجازی^{۱۰} به دلیل دشواری به دست آوردن اطلاعات مشترک هنگام اظهار نظر، برای بسیاری از اشکال فریب بسیار مناسب است. به عنوان مثال، یک پلیس می‌تواند «وانمود کند که یک دختر ۱۴ ساله آنلاین است تا پدوفیل‌ها را به دام بیندازد». در عین حال، یک «فیشر» می‌تواند با راه‌اندازی یک وب‌سایت جعلی وانمود کند که یک بانک است تا اطلاعات شخصی قربانیان را بدزد. علاوه بر این، اتصال اینترنت امکان تعاملات اجتماعی را در فواصل طولانی بین‌المللی فراهم می‌کند و سرعت اینترنت اجازه می‌دهد که آسیب وارد شود و مجرمان به سرعت ناپدید شوند. روابط فضای مجازی معمولاً به دلیل پهنای باند محدود ارتباطات، ضعیف‌تر از روابط دنیای واقعی هستند، بنابراین فشار

گسترش شایعات به طرز قابل توجهی افزایش یافته است. در این فضا، به دلیل فقدان سازوکارهای نظارتی مؤثر، نبود پالایش محتوا و عدم کنترل مبادی نشر، هر کاربر می‌تواند بدون داشتن صلاحیت تخصصی، به تولید و انتشار اطلاعات بپردازد (۱۶). پیامدهای این امر می‌تواند بسیار گسترده و مخرب باشد. افرادی که قربانی این نوع شایعات قرار می‌گیرند، ممکن است با آسیب‌های جبران‌ناپذیری چون از بین رفتن اعتبار اجتماعی، تهدید سلامت روانی، و حتی تحمل فشارهای سنگین مالی و حقوقی مواجه شوند.

شرایط تحقق جرم نشر اکاذیب در فضای مجازی

برای اینکه جرم نشر اکاذیب در فضای مجازی محقق شود، وجود شرایط زیر ضروری است:

۱. سوء نیت: فرد باید با قصد اضرار به دیگران یا تشویش اذهان عمومی اقدام به نشر اکاذیب کند. این سوء نیت می‌تواند نسبت به افراد یا حتی مقامات رسمی باشد.
۲. بستر ارتکاب جرم: انتشار اخبار دروغین و نادرست باید از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مانند اینترنت، شبکه‌های اجتماعی یا پیام‌رسان‌ها انجام شود.
۳. نسبت دادن به دیگران: اکاذیب منتشر شده باید به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به شخص یا اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت داده شود.
۴. عدم نیاز به حصول نتیجه: در این جرم، تحقق نتیجه شرط نیست؛ یعنی حتی اگر شایعات یا اکاذیب به هدف مورد نظر نرسد، صرف انتشار آن‌ها برای تحقق جرم کافی است (۶).

سیاست کیفری ایران در مواجهه با نشر اکاذیب

سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران همواره با هدف حفظ نظم عمومی^{۱۴}، صیانت از حقوق فردی^{۱۵} و اجتماعی شهروندان، و جلوگیری از تشویش اذهان عمومی تدوین شده است. در همین راستا، قوانین کیفری کشور نسبت به انتشار اطلاعات نادرست و اخبار دروغین، چه در رسانه‌های سنتی و چه در بستر فضای مجازی، موضعی سخت‌گیرانه اتخاذ کرده و مجازات‌های نسبتاً سنگینی برای مرتکبان این‌گونه جرایم پیش‌بینی نموده‌اند.

در حقوق کیفری ایران، ماده ۶۹۸ از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تجزیات)، به‌طور خاص به جرم نشر اکاذیب اختصاص یافته است. مطابق این ماده، هر فردی که به قصد آسیب رساندن به دیگران یا ایجاد تشویش در افکار عمومی یا نزد مقامات رسمی، از طریق نگارش نامه، شکایت‌نامه، گزارش، عریضه، یا توزیع اوراق چاپی یا خطی - با امضا یا بدون امضا - اقدام به انتشار اکاذیب نماید، یا اعمالی را برخلاف واقع به‌صورت صریح یا ضمنی به اشخاص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی نسبت دهد، اعم از این‌که به واسطه این رفتار، آسیبی مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا خیر، افزون بر لزوم اعاده حیثیت در

کمتری از تعهد اجتماعی برای عمل به شیوه‌ای قابل اعتماد وجود دارد. بنابراین بسیاری از مشکلات فریب در فضای مجازی بدتر از دنیای واقعی است و ما باید اصول اخلاقی بیشتری را برای فضای مجازی تدوین کنیم و ضمانت‌های اجرایی کیفری برای این اصول فراهم سازیم (۱۲).

جرایمی نظیر هتک حرمت، نشر اکاذیب و اشاعه شایعات در زمره جرائم نوپدید رسانه‌ای به‌شمار می‌روند که در بستر فضای سایبری رخ می‌دهند و هرچند در ظاهر شباهت‌هایی با یکدیگر دارند، اما از نظر مبانی حقوقی، ارکان قانونی و آثار کیفری، تفاوت‌های بنیادینی میان آن‌ها وجود دارد (۸). در قوانین کیفری ایران، به‌ویژه در فصل پنجم قانون جرائم رایانه‌ای، جرم‌انگاری این رفتارها مورد توجه قرار گرفته و مواد خاصی به «هتک حیثیت» و «اشاعه اکاذیب» اختصاص یافته است. این جرایم عمدتاً در قالب رفتارهایی چون **توهین**^{۱۱} (استفاده از الفاظ تحقیرآمیز و غیرمحترمانه برای اهانت به شخصیت دیگری) و **افترا**^{۱۲} (نسبت دادن صریح یک رفتار مجرمانه به فردی بدون توانایی اثبات آن) تحقق می‌یابند (۱۳). نشر اکاذیب، در مقایسه با افترا، دامنه‌ی وسیع‌تری دارد. قانون‌گذار در تعریف این بزه، به‌صراحت نیت مجرمانه‌ی مرتکب در جهت اضرار به غیر را به‌عنوان یکی از ارکان اصلی جرم معرفی کرده است. عنصر روانی در این جرم زمانی محقق می‌شود که فرد با علم به نادرست بودن مطالب، آن‌ها را به قصد آسیب‌زدن به اشخاص یا ایجاد تشویش در افکار عمومی یا مراجع رسمی منتشر کند (۷). نکته مهم در خصوص این جرم آن است که حتی در صورت نقل‌قول از دیگران یا بازنشر مطالب دروغین، بدون انجام تحقیق در مورد صحت آن‌ها، فرد می‌تواند تحت پیگرد قانونی قرار گیرد؛ چراکه هدف از این جرم‌انگاری، جلوگیری از گسترش دروغ و محتوای کاذب در جامعه است (۱۴). بر خلاف افترا که سوء نیت عام برای تحقق آن کفایت می‌کند، در جرم نشر اکاذیب علاوه بر سوء نیت عام، نیاز به سوء نیت خاص نیز وجود دارد؛ به عبارت دیگر، باید اثبات شود که مرتکب به‌طور مشخص قصد اضرار به دیگری یا تشویش اذهان عمومی داشته است. همچنین، در این بزه حتی اگر آثار مادی یا معنوی هنوز به وقوع نپیوسته باشند ولی کذب بودن محتوای منتشرشده اثبات شود، ارتکاب جرم محقق تلقی می‌شود (۶).

شایعه‌سازی و نشر شایعات به‌ویژه در بستر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، از دیگر مصادیق بارز نشر اکاذیب است که همواره در طول تاریخ، به‌ویژه در مواقع بحران‌های سیاسی، اجتماعی و حتی جنگ‌ها، ابزاری مؤثر برای تحمیل اراده یا تغییر افکار عمومی بوده است. به‌عنوان نمونه، هنری پنجم در توصیف اثرگذاری شایعه می‌گوید: «شایعه^{۱۳} چون پیپی است که در آن، باد تردیدها، حسادت‌ها و گمانه‌زنی‌ها دمیده می‌شود. شایعه‌ها ماهیتی غیرقابل اعتماد دارند؛ زیرا پیش از انتشار، صحت آن‌ها تأیید نشده است و این عدم شفافیت موجب می‌شود که مخاطب نتواند به‌راحتی درستی یا نادرستی آن‌ها را تشخیص دهد (۱۵).

در بستر فضای مجازی، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، زمینه‌ی بروز و

صورت امکان، به مجازات حبس از یک ماه تا یک سال یا تا ۲۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد. با توجه به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جرم نشر اکاذیب از جمله جرائم قابل گذشت محسوب می شود.

علاوه بر این، در راستای تطبیق قوانین کیفری با تحولات فناوریانه، قانون جرایم رایانه‌ای در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۸۸ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. در ماده ۱۸ این قانون، جرم‌انگاری نشر اکاذیب در بستر دیجیتال صورت گرفته است. به موجب این ماده، هر شخصی که از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی - مانند اینترنت، ایمیل، پیامک یا سایر ابزارهای الکترونیکی - با هدف اضرار به دیگران یا بر هم زدن آرامش روانی جامعه یا مقامات رسمی، اقدام به انتشار اکاذیب نماید یا مطالب کذب را به دیگری نسبت دهد، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، به یکی از مجازات‌های حبس از ۹۱ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون تا چهل میلیون ریال، یا هر دو، محکوم خواهد شد. نکته مهم آن است که برخلاف ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات، این جرم در زمره جرائم غیرقابل گذشت قرار دارد. البته بر اساس مصوبه هیأت وزیران به تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۹۹، حداقل و حداکثر جزای نقدی مذکور به ترتیب به پانزده تا صد میلیون ریال افزایش یافته است.

مفاد ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای حاکی از آن است که ارتکاب این جرم منوط به استفاده از ابزارهای دیجیتال نظیر سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی است و مرتکب باید بداند آنچه که منتشر می کند یا به دیگری نسبت می دهد، خلاف واقع است. همچنین اثبات نیت مجرمانه در قالب قصد اضرار به غیر یا ایجاد تشویش در افکار عمومی یا مقامات رسمی، شرط تحقق این جرم است. در صورتی که فرد مرتکب بتواند ثابت کند که در زمان انتساب مطلب، به صحت آن باور داشته یا گمان می برده است، عنصر روانی جرم منتفی تلقی می شود و مشمول مجازات نخواهد شد.

مطابق ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ارتکاب جرم می تواند به دو نوع دعوای کیفری منجر شود: یکی دعوای عمومی برای حفظ نظم و حقوق جامعه، و دیگری دعوای خصوصی جهت مطالبه ضرر و زیان وارد شده به اشخاص. در همین قانون، ماده ۱۲ تصریح می کند که در جرائم قابل گذشت، آغاز تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی بوده و با گذشت وی نیز پیگیری جرم متوقف می شود. تبصره ماده مذکور، تعیین قابل گذشت یا غیرقابل گذشت بودن جرایم را بر عهده قانون گذار قرار داده و ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) به عنوان ملاک تفکیک شناخته شده است.

بنابراین، بر اساس تصریح صریح ماده ۱۰۴، جرم نشر اکاذیب در قالب سنتی آن (موضوع ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات) از جمله جرائم قابل گذشت محسوب می شود و آغاز تعقیب کیفری و اجرای مجازات، مشروط به شکایت شاکی اعم از اشخاص حقیقی، حقوقی یا مقامات ذی ربط خواهد بود. در گذشته نیز این جرم در قالب ماده ۲۶۹ مکرر (بخش ب) قانون

مجازات عمومی سابق پیش بینی شده بود، اما از آن جا که ماده ۲۷۷ آن قانون که به احصای جرائم قابل گذشت می پرداخت، اشاره ای به ماده ۲۶۹ مکرر نداشت، جرم نشر اکاذیب در آن زمان در زمره جرائم غیرقابل گذشت تلقی می گردید.

بر پایه نظریه مشورتی شماره ۶۸۹۹/۷ مورخ ۱۵ بهمن ۱۳۶۴ اداره حقوقی قوه قضاییه، منظور از «حق الناس» در ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات، جرایمی هستند که موجب ورود ضرر به افراد معین می شوند. در چنین جرایمی، تعقیب کیفری منوط به تقاضای زیان دیده یا قائم مقام قانونی اوست. بنابراین، چنان چه نشر اکاذیب متوجه فرد یا افراد مشخصی باشد، در حکم حق الناس بوده و قابل گذشت محسوب می شود، اما در مواردی که شاکی خصوصی مشخصی وجود نداشته باشد، جرم قابل گذشت تلقی نمی گردد (۱۷). با وجود پیش بینی جرم نشر اکاذیب در قوانین جزایی ایران، بررسی دقیق ساختار تقنینی و رویه ای نشان می دهد که سیاست کیفری کشور در این زمینه با کاستی ها و خلأهایی مواجه است که می تواند اثربخشی و کارآمدی آن را در مقابله با این جرم به ویژه در بستر فضای مجازی تضعیف کند. نخستین چالش به تفاوت در وضعیت گذشت پذیری این جرم بازمی گردد؛ بدین معنا که چنان چه نشر اکاذیب از طریق ابزارهای سنتی انجام گیرد، مطابق ماده ۶۹۸ قانون تعزیرات، جرم قابل گذشت محسوب می شود، اما اگر همین عمل از طریق سامانه های رایانه ای و در بستر دیجیتال صورت پذیرد، بر اساس ماده ۱۸ قانون جرایم رایانه ای، جرم غیرقابل گذشت خواهد بود. این تمایز، علی رغم وحدت ماهوی رفتار مجرمانه، نوعی دوگانگی در سیاست کیفری ایجاد کرده و بستر ارتکاب را به جای نتیجه و پیامد، مبنای تعقیب کیفری قرار داده است. در کنار این تعارض، مجازات های تعیین شده برای جرم نشر اکاذیب در هر دو قانون، از لحاظ شدت و تناسب، فاقد اثربخشی لازم هستند. حبس های کوتاه مدت و جزای های نقدی نه چندان سنگین، به ویژه در مواجهه با آسیب های گسترده روانی، اجتماعی و حیثیتی ناشی از این جرائم، نمی تواند نقش بازدارنده مؤثری ایفا کند. در واقع، گاه تساهل موجود در تعیین کیفر، به تشویق ضمنی رفتارهای مجرمانه در فضای مجازی می انجامد.

از سوی دیگر، اثبات عنصر روانی این جرم در عمل با چالش های قابل توجهی مواجه است. شرط تحقق جرم، علم مرتکب به کذب بودن مطالب منتشر شده و قصد اضرار یا تشویش اذهان عمومی است، اما در بسیاری از موارد، تفکیک میان نشر عامدانه کذب و بیان نادرست ناشی از خطا یا حسن نیت، دشوار بوده و زمینه ساز رویه های متضاد قضایی شده است. به عبارتی، فقدان معیارهای روشن برای تمیز این دو حالت، موجب افزایش آراء متعارض و عدم اطمینان حقوقی می شود. همچنین، نبود دادگاه های تخصصی و آموزش دیده در حوزه جرائم سایبری و به ویژه نشر اکاذیب، به صدور آرای ناهمگون، تعابیر شخصی و گاه متعارض از مفاهیمی چون «تشویش اذهان عمومی»، «ضرر معنوی» یا «اکاذیب» منجر گردیده است. این مسئله، ضمن ایجاد تشتت در پاسخ کیفری، اصل پیش بینی پذیری رفتار کیفری را نیز با اخلال مواجه

در این راستا، قانون مجازات عراق (قانون شماره ۱۱۱ سال ۱۹۶۹ با اصلاحات بعدی)، در چندین ماده به طور صریح به جرم‌انگاری نشر اکاذیب پرداخته است:

ماده ۲۱۰: هر شخصی که عمداً اطلاعات یا شایعات دروغین و مغرضانه منتشر نماید یا تبلیغات تحریک‌آمیز پخش کند که منجر به اختلال در نظم عمومی، ایجاد رعب و وحشت در جامعه یا آسیب به منافع عمومی گردد، به مجازات حبس یا جزای نقدی تا سقف سیصد دینار، یا به یکی از این دو محکوم می‌گردد. همین مجازات در مورد افرادی اعمال می‌شود که با نیت سوء، مدارک، چاپ‌ها یا ضبط‌هایی حاوی این‌گونه مطالب را برای توزیع یا انتشار نگهداری یا تملک کنند، یا وسایل فنی مورد استفاده در تولید و انتشار آن‌ها را در اختیار داشته باشند».

ماده ۲۱۱: انتشار عمومی اخبار دروغ، اوراق جعلی یا نسبت‌های کذب به دیگران که موجب اختلال در نظم عمومی یا ضرر به منافع عمومی گردد، مشمول مجازات حبس یا جزای نقدی تا سقف مقرر در ماده پیشین است.

ماده ۱۷۹ بند ۱: این ماده به‌ویژه به شایعه‌پراکنی در زمان جنگ توجه دارد و مقرر می‌دارد: «هر فردی که عمداً در زمان جنگ به نشر اخبار کذب یا تبلیغات تحریک‌آمیز بپردازد که منجر به لطمه به آمادگی نظامی کشور، ایجاد رعب در جامعه یا تضعیف روحیه ملت شود، به مجازات حبس تا ده سال محکوم می‌گردد».

ماده ۱۸۰: در صورتی که انتشار اکاذیب در ارتباط با یک کشور بیگانه باشد، مجازات تشدید می‌گردد. به‌ویژه اگر کشور مزبور دشمن تلقی گردد، مجازات ممکن است تا حبس ابد نیز افزایش یابد. ماده ۱۸۰ مقرر می‌دارد: هر شهروندی که عمداً اطلاعات یا اظهارات کذب درباره اوضاع داخلی کشور را در خارج از کشور منتشر نماید و این اقدام منجر به تضعیف اعتماد به کشور در سطح بین‌المللی یا لطمه به منافع ملی گردد، به حبس تعزیری تا هفت سال محکوم خواهد شد.

ماده ۳۰۴: این ماده در بخش مربوط به جرایم مخل به اقتصاد ملی و اعتماد مالی کشور آمده و به صراحت اعلام می‌دارد: هرکس با علم به کذب بودن محتوا، اقدام به ساخت، نشر یا تبلیغ ادعاها و اطلاعات ساختگی نماید که منجر به کاهش اعتبار پول ملی یا اوراق بهادار شود یا اعتماد عمومی به اقتصاد را تضعیف نماید، به حبس تا دو سال یا جزای نقدی تا دویست دینار یا یکی از این دو محکوم می‌گردد. این مجموعه مواد قانونی نشان‌دهنده سیاست کیفری نسبتاً سخت‌گیرانه‌ی عراق در قبال نشر اکاذیب است؛ به‌ویژه در مواردی که این اکاذیب از طریق رسانه‌ها و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و مخاطب گسترده‌ای را درگیر می‌سازند. همچنین، تقاطع جرم نشر اکاذیب با برخی جرایم دیگر از جمله **تهمت**، **افترا** و **توهین** نیز مشهود است؛ به‌ویژه زمانی که شایعه به اشخاص حقیقی یا حقوقی خاصی از جمله مقامات رسمی، شخصیت‌های برجسته، روحانیون،

می‌سازد. افزون بر این، ساختار سیاست کیفری ایران عمده‌تأ متکی بر پاسخ‌های کیفری پسینی است و در زمینه اقدامات پیشگیرانه غیربازدارنده، به‌ویژه از منظر آموزش عمومی و فرهنگ‌سازی استفاده مسئولانه از فضای مجازی، ضعف محسوسی مشاهده می‌شود. این خلأ، خصوصاً در میان نسل جوان که عمده مخاطب شبکه‌های اجتماعی هستند، زمینه‌ساز تکرار رفتارهای مجرمانه و غفلت از پیامدهای آن شده است. از منظر مفهومی نیز، تعاریف قانونی روشنی از اصطلاحاتی نظیر «اکاذیب»، «افکار عمومی»، «تشویش»، و حتی «ضرر معنوی» ارائه نشده و این مفاهیم بیشتر به‌صورت تفسیری و موردی در رویه‌های قضایی شکل می‌گیرند. این ابهام، هم مانعی برای اجرای منسجم قانون است و هم می‌تواند زمینه‌ساز تداخل با آزادی مشروع بیان گردد.

در نهایت، می‌توان به ضعف هماهنگی میان نهادهای ذی‌ربط در حوزه فضای مجازی و قوه قضاییه اشاره کرد. نبود یک چارچوب نهادی منسجم میان مراجع انتظامی، نظارتی و قضایی باعث کندی در کشف جرم، دشواری در جمع‌آوری ادله الکترونیکی، و کاهش اثربخشی اجرای احکام شده است. در مجموع، این عوامل همگی نشان می‌دهند که سیاست کیفری ایران در مواجهه با نشر اکاذیب – به‌ویژه در بستر دیجیتال – نیازمند بازنگری ساختاری، تقنینی و نهادی است تا بتواند به‌طور مؤثر با تهدیدات نوظهور در عرصه ارتباطات مجازی مقابله نماید.

سیاست کیفری عراق در مواجهه با نشر اکاذیب

نشر اکاذیب، به‌ویژه در قالب شایعات در شبکه‌های اجتماعی، از چالش‌های جدی نظام‌های کیفری معاصر به‌شمار می‌رود. در این راستا، سیاست کیفری عراق نیز به‌گونه‌ای طراحی شده که از ابزارهای قانونی برای مقابله با این پدیده‌ی تهدیدآمیز برای نظم و امنیت عمومی بهره‌گیرد (۱۸). شایعه، به‌عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی با منشأ نامشخص، معمولاً با رمز و راز و ابهام همراه بوده و تأثیر عمیقی بر افکار عمومی دارد. هدف اصلی از انتشار شایعات، نه انتقال اطلاعات، بلکه تحریک احساسات، ایجاد سردرگمی ذهنی و برهم‌زدن انسجام فکری جامعه است. این شایعات اغلب باورها و نگرش‌های جاری را هدف قرار داده و با ایجاد آمادگی ذهنی، زمینه‌ساز اقدامات خاص و بعضاً مجرمانه می‌گردند (۱۹). در ساختار حقوق کیفری عراق، جرم‌انگاری نشر اکاذیب با در نظر گرفتن آثار مخرب آن بر نظم عمومی، آرامش مدنی و امنیت ملی انجام گرفته است. قانونگذار عراقی، با استناد به تأثیرات سوء شایعه‌پراکنی بر افکار عمومی و تجاوز آن به حدود حقوق مشروع افراد، این فعل را مستوجب مجازات دانسته و برخوردی جدی و بازدارنده با آن در پیش گرفته است.

از منظر حقوق کیفری، جرم نشر اکاذیب متکی بر دو عنصر مادی و معنوی است: عنصر مادی شامل ایجاد خطر و ورود ضرر به نظم عمومی و منافع ملی است و عنصر معنوی ناظر بر قصد مجرمانه فرد مرتکب، یعنی علم و آگاهی او به کذب بودن محتوا و هدفمند بودن نشر آن.

کوتاه مدت، پاسخگوی ابعاد گسترده و گاه فاجعه آمیز انتشار سازمان یافته اطلاعات نادرست در فضای مجازی نیستند.

نکته مهم دیگر آن است که سیاست کیفری موجود تقریباً به صورت کامل بر مجازات پستی تمرکز دارد و از اتخاذ تدابیر پیشگیرانه، از جمله آموزش عمومی، فرهنگ سازی رسانه ای، نظارت هوشمند بر پلتفرم های مجازی و مسئولیت پذیری اپلیکیشن های پیام رسان یا شبکه های اجتماعی، غفلت شده است. این در حالی است که در عصر فناوری، پیشگیری کیفری تنها از مسیر مجازات نمی گذرد، بلکه نیازمند طراحی و اجرای سیاست های چندبعدی و چندبخشی است. در کنار این نواقص ساختاری، فقدان مرز روشن میان رفتارهای مجرمانه و اعمال مشروعی همچون نقد، اعتراض یا افشای افکار مردمی، یکی دیگر از نگرانی های جدی در زمینه اجرای این قوانین به شمار می رود. در غیاب تعریف روشن از مفاهیمی چون «خبر کذب»، «نیت سوء»، یا «تحریک افکار عمومی»، ممکن است هرگونه اظهار نظر انتقادی درباره نهادهای دولتی یا اشخاص عمومی، تحت عنوان نشر اکاذیب جرم انگاری شده و آزادی بیان شهروندان به شدت آسیب ببیند. در نهایت، باید به ضعف در ایجاد رویه قضایی تخصصی و هماهنگ در خصوص جرایم مربوط به نشر اکاذیب، به ویژه در بستر دیجیتال اشاره کرد. نبود دادگاه های تخصصی یا دستورالعمل های رویه ای مشخص برای رسیدگی به چنین جرایمی موجب شده است که آرا و احکام صادره بعضاً متناقض یا با معیارهای ناعادلانه صادر شوند و اعتماد عمومی به عدالت کیفری تضعیف گردد. در مجموع، نظام کیفری عراق برای مقابله مؤثر با پدیده نشر اکاذیب در فضای دیجیتال نیازمند بازنگری بنیادین در قوانین موجود، به ویژه تدوین قانون جامع و تخصصی در حوزه جرایم سایبری، ارتقاء شفافیت مفهومی، ایجاد توازن میان امنیت و آزادی، و در نهایت، ارتقاء ابزارهای نهادی و فنی در مواجهه با این نوع از جرایم است.

نتیجه گیری

عقاید فلسفی در مورد اینکه آیا دروغ گفتن از نظر اخلاقی نادرست است یا خیر، متفاوت است اما بسیاری از دروغ پردازی ها در فضای مجازی به واسطه تخریب حیثیت اشخاص، یا برهم زدن نظم عمومی و تشویش اذهان جامعه و از بین بردن اعتماد عمومی رفتاری غیر اخلاقی تلقی می شوند و می بایست با اهرم های کیفری و حقوقی جلوی چنین رفتارهایی گرفته شود. در ایران، قانون گذار به صورت مجزا به جرم نشر اکاذیب در قالب سنتی و دیجیتال پرداخته، اما دوگانگی در گذشت پذیری، تعارضات تفسیری، و عدم توازن میان اصول دادرسی منصفانه و اقتضات امنیتی، موجب بروز چالش های فراوان در اجرا شده است. در عراق نیز هرچند تلاش هایی برای تقنین صورت گرفته، اما کلی گویی، فقدان تعریف های دقیق حقوقی، خلأ در رویه های قضایی مستند و ساختار قضایی غیرتخصصی باعث شده است سیاست کیفری کارکردی محدود، عمدتاً نمادین و واکنشی داشته باشد.

هنرمندان یا نویسندگان نسبت داده می شود. در چنین مواردی، علاوه بر مواد عمومی مربوط به نظم عمومی، مقررات خاص مربوط به حمایت از حیثیت و آبرو نیز قابلیت اعمال پیدا می کنند. در نهایت، باید توجه داشت که مواجهه با شایعات مجرمانه در عصر ارتباطات نیازمند به روزرسانی و تقویت ابزارهای حقوقی است، به ویژه در حوزه جرایم سایبری که بسترهای نوینی برای ارتکاب چنین افعالی فراهم آورده اند. عراق نیز در این مسیر نیازمند توسعه مقررات مکمل و تطبیق با استانداردهای بین المللی در حوزه حقوق کیفری فضای مجازی است.

در تحلیل سیاست کیفری عراق در زمینه مقابله با نشر اکاذیب، به ویژه در بستر شبکه های اجتماعی، هرچند قانونگذار تلاش کرده است با بهره گیری از مواد قانونی متنوع، با این پدیده برخورد نماید، اما با نگاهی عمیق تر به ساختار حقوقی موجود، می توان آسیب ها، کمبودها و خلأهایی جدی را شناسایی کرد که مانع از تحقق کامل اهداف پیشگیرانه و سرکوب گرایانه نظام کیفری می شود. نخستین آسیب، نبود یک چارچوب مشخص و به روز در حوزه جرایم سایبری است. اگرچه در قوانین کیفری عراق به جرم انگاری شایعه پراکنی و نشر اکاذیب پرداخته شده، اما این مقررات عمدتاً ناظر بر رسانه های سنتی اند و ظرفیت ها، پیچیدگی ها و سازوکارهای فضای مجازی، خصوصاً شبکه های اجتماعی، را در بر نمی گیرند. همین فقدان سبب شده است تا مراجع قضایی در مواجهه با جرایم نوپدید در این فضا، با خلأ قانونی یا دشواری در تفسیر مواد موجود مواجه شوند.

در گام دوم، بسیاری از مواد قانونی مرتبط با نشر اکاذیب از عبارات کلی، مبهم و تفسیرپذیر استفاده کرده اند که همین ابهام مفهومی، زمینه ساز برداشت های شخصی یا اعمال سلیقه ای قانون از سوی ضابطین و قضات شده است. اصطلاحاتی همچون «اخلال در نظم عمومی»، «آسیب به منافع ملی» یا «تضعیف اعتماد مالی کشور» فاقد تعریف دقیق حقوقی اند و در نبود دستورالعمل های تبیینی یا رویه های قضایی منسجم، می توانند دستمایه صدور آرای نامتوازن یا محدودکننده آزادی های مشروع شهروندان شوند. از دیگر خلأهای محسوس در نظام کیفری عراق، فقدان تمایز روشن میان افعال عمدی و غیرعمدی در ارتکاب جرم نشر اکاذیب است. در بیشتر مواد قانونی، فرض بر وجود سوءنیت است، بدون آنکه امکان بررسی دقیق عنصر معنوی و نیت مجرمانه مرتکب فراهم شده باشد. در حالی که از منظر نظریه عمومی جرم، این عنصر نقشی کلیدی دارد و بی توجهی به آن می تواند به مجازات افرادی منجر شود که صرفاً از روی ناآگاهی یا سهل انگاری اقدام به باز نشر اطلاعات کذب کرده اند. همچنین، اگرچه در برخی مواد قانونی برای افعال خاصی همچون شایعه پراکنی در زمان جنگ یا در ارتباط با کشورهای متخاصم، مجازات های سنگین تری در نظر گرفته شده است، اما در خصوص موارد عمومی تر، مانند انتشار اکاذیب در فضای عمومی یا مجازی، مجازات ها معمولاً سبک و فاقد اثر بازدارندگی اند. جرمه هایی نظیر «سیصد دینار» یا مجازات های حبس

مصادیق نشر اکاذیب و تعیین حدود مشروع آزادی بیان کمک شایانی نماید. راه اندازی مراکز تخصصی پلیس سایبری با اختیارات دقیق و روشن برای کشف، تحلیل و پیگیری فوری جرائم فضای مجازی، از دیگر ضرورت های تقنینی و اجرایی عراق است. در کنار آن، توسعه آموزش عمومی و رسمی در زمینه اخلاق رسانه ای، از طریق گنجاندن مفاهیم سواد دیجیتال در برنامه های درسی مدارس و دانشگاه ها، می تواند به تربیت نسلی آگاه تر نسبت به حقوق و مسئولیت های خود در فضای آنلاین منجر شود. در نهایت، الگوبرداری هوشمندانه از تجارب کشورهای پیشرو، با حفظ موازنه میان صیانت از امنیت روانی جامعه و احترام به آزادی بیان، مسیر اصلاح و توسعه نظام کیفری عراق را روشن تر خواهد ساخت.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Modern technology	فناوری نوین
2. Relational networks	شبکه های ارتباطی
3. Social networks	شبکه های اجتماعی
4. Ethical challenges	چالش های اخلاقی
1- Ethical protocol	پروتکل اخلاقی
2- Spreading lies	نشر اکاذیب
3- Lying	دروغگویی
4- Ethical law	قانون اخلاقی
5- Fraud	فریب
6- Cyberspace	فضای مجازی
7- Insult	توهین
8- Slander	افترا
9- Rumor	شایعه
10-Public order	نظم عمومی
11-Individual rights	حقوق فردی

نکته مهم تر آن است که هر دو کشور بیش از آنکه بر پیشگیری متمرکز باشند، در مرحله پسینی و پاسخ دهی کیفری باقی مانده اند. این رویکرد نه تنها از شدت وقوع جرم در فضای مجازی نمی کاهد، بلکه ممکن است به دلیل نبود ابزارهای مکمل مثل سواد رسانه ای و پاسخ های غیرکیفری، به سوءاستفاده از قوانین برای سرکوب آزادی بیان نیز بینجامد. از این رو، گذار به یک سیاست جنایی نوین مستلزم ترکیبی هوشمندانه از پاسخ کیفری بازدارنده، تقنین دقیق، نظارت شفاف و آموزش فراگیر است؛ چرا که در نهایت، امنیت اطلاعاتی و روانی جوامع معاصر را نمی توان تنها با سلاح مجازات حفظ کرد، بلکه باید با نهادهای سازی اخلاق دیجیتال، تقویت اعتماد عمومی و حاکمیت قانون، فضای مجازی را به بستری سالم برای تعاملات اجتماعی تبدیل کرد. در نظام حقوقی ایران، بازنگری در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی ضرورت دارد تا جرم نشر اکاذیب، صرف نظر از بستر وقوع آن (سنتی یا دیجیتال)، از جرائم قابل گذشت خارج شود؛ اقدامی که امکان ورود دادستان در موارد فاقد شاکی خصوصی را فراهم خواهد کرد. همچنین، تدوین یک لایحه مستقل و جامع در زمینه جرائم سایبری، با بازتعریف مفاهیم کلیدی مانند «اکاذیب»، «آسیب به افکار عمومی» و «ضرر معنوی»، می تواند گامی مؤثر در جهت انسجام بخشی به ساختار تقنینی موجود باشد. تشکیل شعب تخصصی در دادسراها و دادگاه ها برای رسیدگی به جرائم سایبری، با حضور قضات و کارشناسان مسلط به فناوری های نوین، نه تنها موجب ارتقاء کیفیت رسیدگی خواهد شد، بلکه تفسیرهای حقوقی منسجم تری را نیز به همراه خواهد داشت. استفاده از سامانه های هوشمند و رصد خودکار محتوا با رعایت اصول حریم خصوصی، در کنار تقویت همکاری بین نهادهای قضایی و وزارت ارتباطات، بستر مؤثری برای کشف اولیه این جرائم فراهم می آورد. افزون بر این، توسعه برنامه های آموزشی فراگیر در حوزه سواد رسانه ای، مسئولیت کیفری در فضای مجازی، و تفکیک حقیقت از شایعه، به ویژه برای نوجوانان و جوانان، می تواند به پیشگیری پایدار و فرهنگ سازی مؤثر منجر شود.

در حقوق عراق، خلأ بزرگ تقنینی در خصوص جرائم سایبری ایجاب می کند که قانونی مستقل و جامع با تمرکز ویژه بر جرم نشر اکاذیب تدوین گردد؛ قانونی که عناصر مادی و روانی، دامنه شمول، و شیوه های ارتکاب در بستر دیجیتال را با دقت و صراحت تعریف کند. همچنین، ارتقاء تخصص رویه های قضایی از طریق آموزش نظام مند قضات و صدور بخشنامه های تبیینی می تواند به وحدت رویه در شناسایی

References

- Bahram Arjavand M, Taghipour F, Shadmanfar M. The moral role of the media in preventing crime in society. *Ethics in Science and Technology* 2024; 19 (1): 102-108. Doi: [10.22034/ethicsjournal.19.1.102](https://doi.org/10.22034/ethicsjournal.19.1.102)
- Tarrad K M, Al-Hareeri H, Alghazali T, et al. Cybercrime challenges in Iraqi Academia: creating digital awareness for preventing cybercrimes. *International Journal of Cyber Criminology*, 2022; 16(2): 15-31.
- Heydari S, Haghighian M, Hashemianfar S A. Fear of crime in social media. *Social Order*, 2019; 33(12): 99-122.
- Ostad S, Miri H. Investigating the crime of spreading lies in cyberspace. *Legal Studies*, 2023; 68(8): 101-115
- Suleiman N M, Hatim A, Alseidi M A, et al. Cybercrime Laws in Iraq: Addressing Limitations for Effective Governance. *International Journal of Cyber Criminology*, 2023; 17(2): 33-47.

6. Malekafzali Ardakani, M., Karami, B. Rethinking the nature and the conditions for the fulfillment of the crime of "spreading falsehoods". Islamic Law, 2024; 21(80): 51-72. doi: [10.22034/ilaw.2024.708598](https://doi.org/10.22034/ilaw.2024.708598)
7. Moradi A. Zarei M. Khosravi H. A new look at the relationship between the media and the nature of the crime of spreading lies in Iranian laws with a focus on virtual media. Maritime Law Enforcement, 2017; 31(8): 27-35.
8. Saberi S, Mousavifard S M, Khorramian S, Mohammadi Cheri A. Investigating the crime of publishing and disseminating lies, First Research Conference in Jurisprudence, Law and Islamic Sciences, Tehran, Iran. 2017.
9. Kavosi Kamkar L, Taajobi M. Predicting the Productivity of Human Resources Based on Spiritual Intelligence, Organizational Optimism and Kant's Ethical Conscientious View. Ethics in Science and Technology 2022; 17 (1) :58-65. Dor: [20.1001.1.22517634.1401.17.1.9.9](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1401.17.1.9.9)
10. Ghoreishi Mohammadi F. Law from the Point of View of Moral Views of Immanuel Kant and Hans Kelsen. Ethics in Science and Technology 2024; 19 (3) :37-44. Doi: [10.22034/ethicsjournal.19.3.37](https://doi.org/10.22034/ethicsjournal.19.3.37)
11. Sharifi A, Safaei H, Almasi NA, Savaraei P. The Civil and Ethical Liabilities Regarding the Violation of Individuals' Personality Rights in Cyberspace. Ethics in Science and Technology 2023; 18 (3) :84-91. Dor: [20.1001.1.22517634.1402.18.3.12.3](https://doi.org/10.1001.1.22517634.1402.18.3.12.3)
12. Salman, S. D. (2022). Designing Predictive Models for Cybercrime Investigation in Iraq. International Journal of Cyber Criminology, 16(2), 47-60
13. Jamalian N. Investigating the harms of publishing implicit propaganda lies through the public to the society. International and National Conference on Management, Accounting and Law Studies, 2022; 6(6): 1789-1789.
14. Al_Ibadi ON, Tariq M. Saeed, Hamdoon SH. Cybercrime in the Iraqi reality, study and analysis. International Journal of Emerging Multidisciplinaries: Computer Science & Artificial Intelligence, 2024; 3(1): 1-15. Doi: <https://doi.org/10.54938/ijemdcrai.2024.03.1.310>
15. Okazaki S, Rubio N, Campo S. (2014). Gossip in social networking sites: why people chitchat about campaigns. International Journal of Market Research, 2014; 56(3): 317. Doi: [10.2501/IJMR-2014-022](https://doi.org/10.2501/IJMR-2014-022)
16. Mashayekh F, Hajizadfh H. Opportunities and harms of virtual space. New Paradigms in Educational Research, 2023; 2(2): 91-113.
17. gholami, M. The Feasibility of the Role of Mass Media Communication on Preventing or facilitating Crimes. Rasaneh, 2023; 33(4): 135-153. doi: <https://doi.org/10.22034/bmsp.2021.312012.1637>
18. Abd O M. Legal obstacles to cybercrime scenes A comparative analytical study between Iraqi legislation and comparative legislation. Twejer Journal, 2024; 7(2): 245-268. Doi: <https://doi.org/10.31918/9sntf422>
19. Ali M H, Ahmed M, Al Karaawi N J M, Algaragolle W M H, Alkhafaji M, Abdulaziz H M. The limitations of Iraq's freedom of press and communicative media censorship. International Journal of Criminal Justice Sciences, 2022; 17(1): 122-133.